



دوفصلنامه تاریخ علوم و فناوری دوره اسلامی  
سال سیزدهم، شماره‌های اول و دوم، سال ۱۴۰۳  
شماره پیاپی: ۲۵ و ۲۶

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
مدیر مسئول: اکبر ایرانی  
سردبیر: محمد باقری  
مدیر داخلی: زینب کریمیان  
اجرای جلد: محمود خانی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

همکاران علمی

حسن امینی \* حمید بهلول \* پویان رضوانی \* فاطمه سوادی \* حنیف قلندری \* یونس کرامتی \* امیرمحمد گمینی  
شمامه محمدی فر \* راضیه‌سادات موسوی \* یونس مهدوی \* سجاد نیکفهم خوبروان

مشاوران علمی

یوسف ثبوتی \* توفیق حیدرزاده  
محمدابراهیم ذاکر \* حسن طارمی \* مهدی محقق  
حسین معصومی همدانی \* محمدجواد ناطق \* سیدحسین نصر  
علی بابایف (جمهوری آذربایجان) \* جان لنارت برگرن (کانادا) \* گلن وان بروملن (کانادا) \* احمد جبار (فرانسه)  
سرگی دمیدوف (روسیه) \* رشدی راشد (فرانسه) \* جمیل رجب (کانادا) \* سری رامولا سارما (آلمان)  
ژاک سزبانو (سوئیس) \* جورج صلیبا (امریکا) \* حکیم سید ظل الرحمان (هند)  
مصطفی موالدی (سوریه) \* یان پیتر هونخندایک (هلند) \* میچیو یانو (ژاپن)

تصویر پشت جلد: نقش کاشیکاری از مدرسه العنبرگ در سمرقند با کتیبه: العلم کنز عظیم [لا یفنا (از حضرت علی (ع))]

نشانی مجله: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه چهارم، شماره ۱۶  
کد پستی: ۹۳۵۱۹-۱۳۱۵۶ تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲ دوزنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

miraselmi@mirasmaktoob.ir / miraselmi90@gmail.com

بها: ۶۰۰۰۰۰ تومان



# فهرست

مقاله

مقاله	۱
مقاله	۲
مقاله	۳
مقاله	۴
مقاله	۵
مقاله	۶
مقاله	۷
مقاله	۸
مقاله	۹
مقاله	۱۰
مقاله	۱۱
مقاله	۱۲
مقاله	۱۳
مقاله	۱۴
مقاله	۱۵
مقاله	۱۶
مقاله	۱۷
مقاله	۱۸
مقاله	۱۹
مقاله	۲۰
مقاله	۲۱
مقاله	۲۲
مقاله	۲۳
مقاله	۲۴
مقاله	۲۵
مقاله	۲۶
مقاله	۲۷
مقاله	۲۸
مقاله	۲۹
مقاله	۳۰
مقاله	۳۱
مقاله	۳۲
مقاله	۳۳
مقاله	۳۴
مقاله	۳۵
مقاله	۳۶
مقاله	۳۷
مقاله	۳۸
مقاله	۳۹
مقاله	۴۰
مقاله	۴۱
مقاله	۴۲
مقاله	۴۳
مقاله	۴۴
مقاله	۴۵
مقاله	۴۶
مقاله	۴۷
مقاله	۴۸
مقاله	۴۹
مقاله	۵۰
مقاله	۵۱
مقاله	۵۲
مقاله	۵۳
مقاله	۵۴
مقاله	۵۵
مقاله	۵۶
مقاله	۵۷
مقاله	۵۸
مقاله	۵۹
مقاله	۶۰
مقاله	۶۱
مقاله	۶۲
مقاله	۶۳
مقاله	۶۴
مقاله	۶۵
مقاله	۶۶
مقاله	۶۷
مقاله	۶۸
مقاله	۶۹
مقاله	۷۰
مقاله	۷۱
مقاله	۷۲
مقاله	۷۳
مقاله	۷۴
مقاله	۷۵
مقاله	۷۶
مقاله	۷۷
مقاله	۷۸
مقاله	۷۹
مقاله	۸۰
مقاله	۸۱
مقاله	۸۲
مقاله	۸۳
مقاله	۸۴
مقاله	۸۵
مقاله	۸۶
مقاله	۸۷
مقاله	۸۸
مقاله	۸۹
مقاله	۹۰
مقاله	۹۱
مقاله	۹۲
مقاله	۹۳
مقاله	۹۴
مقاله	۹۵
مقاله	۹۶
مقاله	۹۷
مقاله	۹۸
مقاله	۹۹
مقاله	۱۰۰

## معرفی کتاب

معرفی کتاب

## یادداشت‌های تاریخی

یادداشت‌های تاریخی

## یادنامه‌ها

یادنامه‌ها

## رسائل

رسائل



## رساله در دفاین از مؤلفی ناشناخته

تصحیح محمد باقری<sup>۱</sup>

### مقدمه

در جای جای سرزمین باستانی ایران، در اثر زلزله، جنگ یا حوادث دیگر، بناها و اشیایی از سده‌های پیشین در دل خاک نهفته‌اند. این آثار باید به صورت علمی و دقیق یافته و شناسایی شود و در معرض دید و بررسی قرار گیرد. بخشی از این کار انجام شده‌است و به نظر می‌رسد بخش بیشتری همچنان ناشناخته باقی مانده‌است. از سوی دیگر، عده‌ای سودجو با حفاری غیر مجاز، بناها را ویران می‌کنند و اشیای باستانی را به صورت غیرعلمی و غیرقانونی می‌یابند و با سودهای هنگفت می‌فروشند. چنین است که بسیاری از اشیای باستانی که میراث همه ایرانیان است از موزه‌های کشورهای غربی سر در می‌آورند. یکی از زبان‌های این کار از دست رفتن ردپای تاریخی این اشیاست که به محل یافتن آنها وابسته است. حفاران غیرمجاز به این میراث به عنوان «گنج» می‌نگرند. فریب‌کارانی هم هستند که اوراق یا جزوه‌هایی به عنوان «گنج‌نامه» به این خرابکاران می‌فروشند و از سود فراوان و نابه‌حق آنان سهمی می‌گیرند. سابقه این کار به قرن‌ها پیش برمی‌گردد و اغلب حفاری‌ها با خواندن دعاها برای دفع مار یا اژدهای نگهبان گنج،<sup>۲</sup> و گاهی با توجه به اوضاع اجرام آسمانی (بر مبنای احکام نجوم) انجام می‌شود.

ابواسحاق کندی فیلسوف و دانشمند عرب (۱۸۵-۲۵۲ق) رساله‌ای عربی درباره یافتن محل گنج در محوطه موردنظر نوشته‌است که چارلز برنت، کیچی یاماموتو و میچیو یانو آن را به انگلیسی برگردانده‌اند و ترجمه فارسی آن در نشریه میراث علمی (شماره پیاپی ۴، ص ۹۱-۹۹) درج شده‌است. ابوریحان بیرونی در مقدمه جواهر فی الجواهر (ترویحه ۱۳) ایجاد دفينه‌ها را به دو طبقه بینوایان و شاهان نسبت می‌دهد. بینوایان مازاد درآمد خود را در دل زمین به امانت می‌سپارند. شاهان هم اموال خود را برای روز مبادا در دژها و سنگرها ذخیره می‌کنند.<sup>۳</sup> مسعودی (سده ۴هـ) در

۱. سردبیر مجله میراث علمی، mohammad.bagheri2006@gmail.com

۲. به گفته سعیدی: گنج و مار و گل و خار و غم و شادی به هم است.

۳. بنگرید به میراث علمی شماره ۲۳-۲۴، ص ۱۲۳-۱۲۴.

مروج الذهب و معادن الجواهر در باب ماجراهای گنج‌یابی در مصر حکایاتی آورده است. در سفرنامه ابودلف شاعر و جهانگرد عرب درباره ایران آمده است:

میان اسک و ارجان قریه‌ای است به نام هندیجان. در این قریه آثار و بناهای تاریخی عجیبی مربوط به دوران عاد موجود است. در این قریه برای به دست آوردن گنجینه‌ها و آثار تاریخی مانند مصر کاوش می‌کنند. در ارجان تابوت‌های سنگی که شاهکارهای هنری است و همچنین آتشکده‌های متعدد وجود دارد ...

پنهان‌کاری و اختفای اطلاعات مربوط به گنجینه‌های باستانی و کهن، مشخصه‌ای لاینفک و تردیدناپذیر در چرخه برخورد با موارث تاریخی و ملی به شمار می‌رفت و همین پنهان‌کاری ناگزیر و گسترده باعث شد تا تقریباً در هیچ حوزه‌ای مدارک مکتوب مرتبط با عرصه گنج‌یابی ... بر جای نمانده باشد و دست مورخان و محققان امروزی برای مطالعه بر روی این نوع مدارک تاریخی ... خالی است.<sup>۱</sup>

رساله‌ای که در اینجا تصحیح آن را می‌خوانید باید بخشی از همان نوع کتابی باشد که امان‌الله زندش از مبارزان نهضت جنگل در خاطراتش ذکر کرده است:

پدرم یک کتاب گنجینه یا کتاب شیطانی داشت و آن کتاب را قبلاً روز یا شب‌ها می‌خواندم. نوشته در فلان مکان زیر فلان درخت پول دفن است و من هم از روی کتاب خود را سرگردان [کردم و] به کوه و خرابه گرفتار بودم که شاید چیزی پیدا کنم. عاقبت با کلی سرگردانی دچار یک جا شده بودم. در کتاب نوشته بود که در جلوی مسجد یک درخت بیدمشکی است، زیر او یک دیگ زر است. من صحبت هزار و سیصد سال قبل را تجدید کردم! مثل اینکه یک سال قبل در زیر درخت پول گذاشتند که من هم بروم او را بردارم! یک روز رفتم زیر درختی در محل مکان و از خودم معین کردم که یک جا زیر درخت تپه کوچک است. عقلم این‌طور گواهی داد که پول را آنجا گذاشته‌اند و گیل زیادی روی دیگه پول ریخته شده که تپه [به نظر می‌رسد] و قسمت من است. شبی از شب‌ها کمی مهتاب بود. یک خلیک و یک گرواز از منزل برداشتم و بدون اینکه کسی بفهمد، رفتم جلوی مسجد زیر درخت که مقداری گِل بود. داخل شدم و شروع کردم به کندن زمین. همین که نیم‌متر کردم، ناگهان تا کمر رفتم به زمین توی سوراخ تاریک. مرا وحشت گرفت که از آنجا در بیایم. دیدم جلوی مسجد یک چیزی به تاخت می‌آید. به خیالم مرا دیدند و می‌خواهند بگیرند. فهمیدم چند اسب پشت سر هم می‌دوند. خودم را از سوراخ زمین در آوردم و با یک ترس و وحشت و ناامیدی فرار کردم به طرف منزل.

۱. علی محمد طرفداری، از گنج‌یابی تا باستان‌شناسی، سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۹۸، ص ۱۳-۱۴، ۲۱-۲۲.

فردای آن روز رفتم سر مکان که ببینم شب چه کار کردم. دیدم یک قبر را سوراخ کرده و رفتم پایین. چوب‌های پوسیده قبر نمایان بود. این کندن من به تعقیب پول هم یک طور [موجب] سرگردانی من شد. خلاصه روزها کتاب را می‌خواندم و از روی کتاب به هر طرف به محل و مکان نامعین [می‌رفتم و] برای دفینه می‌کندم. ولی بیشتر اوقات با میرزا ابوالفضل یا باقر زیر سنگ‌ها یا درخت‌ها را می‌کنیدیم.<sup>۱</sup>

همچنین در کتاب خاطرات من نوشته‌ی حسن اعظام قدسی چنین آمده است:

ملاعظیم یک کتابچه مانند ارانه داد که گنج‌نامه گفته می‌شد که همین درویش داده بود. من و شیخ ابراهیم گنج‌نامه را خواندیم، طوری نشانی‌های نقاط گنج را به طور واضح معین کرده بود که انسان خیال می‌کرد با یک حرکت و کاوش می‌تواند صاحب کوره‌ها ثروت گردد، پس از قدری خواندن با آقا شیخ ابراهیم مذاکره و قرار دادیم برویم برای به دست آوردن گنج‌ها لویکی از گنج‌ها قسمت ما بشود دیگر تا زنده هستیم راحت و از این وضعیت آخوندی خلاص و اعقاب ما هم آسوده خواهند شد. این مذاکرات و تشویق آقا شیخ ابراهیم مرا چنان وسوسه انداخت که از مسافرت برشت منصرف و تصمیم به حرکت برای نقاط گنج گرفته، عازم شدیم و ضمناً قرار بر این شد که آنچه به دست آید بین سه نفر قسمت گردد.

حرکت کردیم و در میان کوه‌های جنگل از انبوه درخت که آسمان و آفتاب یا ماهتاب دیده نمی‌شود به نقطه اول مذکور در گنج‌نامه رسیدیم که نشانه این بود، سر دوراهی قشلاق به بیلاق پنج‌جاه قدم به طرف غرب جاده درخت بزرگی به نام طوسا زیر درخت سمت جنوب بکاوید یک خم خسروی سکه طلا و یک خروس جواهر نشان به دست خواهد آمد. پس از رسیدن به دوراهی طبق نوشته قدم برداشته رسیدیم به درخت که کاملاً نشانی درست بود. قدری که به اطراف توجه کردیم دو نفر پیدا شدند و متوجه شدند که ما گنج‌نامه داریم، نزدیک شدند و سلام و علیک به عمل آمد. آغاز مطلب از طرف آنها شد که معلوم گردید سوابقی دارند. اظهار نمودند که آقایان برای کجا می‌روید، چطور از جاده خارج شده‌اید، حتماً گنج‌نامه دارید و عقب آن محل می‌گردید، اگر اینطور است ما حاضریم با شما کمک نماییم در کندن زمین و ان‌شاءالله بعد از به دست آمدن سهمی هم به ما خواهید داد.

ورقه را چهار نفری قرائت و محل آن معین و آن دو نفر که کلنگ و بیل حاضر کرده بودند شروع کردند به کندن. حالا چه حالی داریم، باید خواننده خودش تشخیص دهد. هر قدر کندن نزدیک به نشانی می‌رسید وضعیت روحی ما تغییر می‌کرد. مخصوصاً شیخ ابراهیم قیافه غریبی پیدا کرده بود. کاوش رسید به یک تنور که بدن آن شکسته و تیغه‌ها

۱. خاطرات امان‌الله زندش، از مجاهدین جنگل، به کوشش هومن یوسفدهی، انتشارات شیرازه، تهران، ۱۴۰۲، ص ۷۹-۸۰.

ریخته بود روی خاک. آن دو نفر اظهار نمودند قبلاً اینجا را پیش از شما کنده‌اند معلوم نیست چیزی بوده یا نبوده است.<sup>۱</sup>

رساله مورد بررسی در جزوه‌ای به ابعاد ۱۱×۱۸ سانتی متر شامل ۴۱ برگ احتمالاً کتابت عهد قاجار و متعلق به مجموعه‌ای شخصی آمده است. رساله در سه فصل است و فصل سوم که تصحیح آن در اینجا آمده شامل دو بخش است. صفحات بخش‌های آغازین تا پایان برگ ۲۵ (صفحه ۵۰) شماره‌گذاری شده‌اند. بندهای صفحات نخستین بخش فصل سوم نیز شماره‌گذاری شده‌اند و بندهای بخش دوم فصل سوم فاقد شماره‌گذاری است. فصل سوم که ویراستی از آن را در اینجا می‌خوانید از پشت برگ ۱۴ (صفحه ۲۸) آغاز می‌شود و تا پایان جزوه (برگ ۴۱، ص ۸۲) ادامه دارد. کاغذ نسخه فرنگی و خط رساله نستعلیق شکسته است. در باب ۴۱ از طلسمی سخن می‌رود که در سال ۱۳۱۰ [قمری] منقضی می‌شود. این تاریخ معادل سال ۱۲۷۱ شمسی است (قاجاریه از ۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ شمسی، معادل ۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ قمری حکومت کردند). این رساله از سویی به علوم غریبه پیوند دارد که شاخه‌ای از تاریخ علم است و از سوی دیگر به خاطر اسامی حدود ۸۰ روستا (که تقریباً همه در گیلان واقعند) از لحاظ «جای‌نام‌شناسی» قابل توجه است. در پایان تصحیح متن، موقعیت روستاها را تا جایی که مقدور بود افزوده‌ایم مگر نام‌های روستاها و آبادی‌هایی که ناشناخته مانده، یا غیرمهم و کاملاً محلی و بومی است که در منابع نیامده یا متروکه شده یا تغییر نام یافته است.

از آقای هومن یوسفدهی به خاطر یاری ارزنده‌شان در رفع پاره‌ای از اشکالات این مقاله سپاسگزارم.


۱. حسن اعظام قدسی (اعظام الوزاره)، کتاب خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله، ۱۳۴۲.

## [تصحیح متن رساله]

### باب اول

در سر دروازه قلعه [رودخان] از زیر همان دروازه به قدر سه قدم ثقیل از جانب ش (شمال؟) دروازه برمی‌داری همان مکان را مدور کرده یک ارش<sup>۱</sup> [و] نیم بکابند<sup>۲</sup> یک مشربه زر است از سکه فیروز شاه از مال میرزا ابوالقاسم هندی طلسم دارد آیه سلیمانی بخواند علامت تمام آجر است.

### باب ۲

از طرف شرقی قلعه [رودخان] چشمه‌ای دارد که او را «کرک چشمه» می‌گویند در بالای آن چشمه سنگی دارد از دست حروف زده‌اند یونانی بدین نهج است  و وسط آن سنگ را از جانب چشمه یک ارش بکابند یک قرغان<sup>۳</sup> زر است از مال وزیر اعظم است طلسم دارد چهارقل را با آیه الکرسی بخواند بکابند علامت ذغال است.

### باب ۳

در سیدسرای فومن مزاری دارد که او را مشهور مزار «قیه‌در» می‌گویند. آن مزار یک درخت دارد آزاد کهن سال است واقع در کنار رودبار است از فوق آن درخت از طرف شمال به قدر هشت قدم بشری می‌شود تلی دارد از بحر<sup>۴</sup> و شمال پنج ارش می‌شود از شرقی غربی سه ارش می‌شود آن تل را یک ارش و نیم بکابند یک مشربه زر است از مال وزیر اعظم سکه فیروزشاه طلسم دارد چهارقل را بخواند علامت ذغال است با سنگ بکابند بردارند.

### باب ۴

در سر راه شیخ جمال نرسیده به شیخ جمال دو سنگ دارد یکی یمین یکی یسار نصب است که راه جاده<sup>۵</sup> در وسط این دو سنگ است و آن [دو] سنگ یکی ابلق است یکی سیاه و آن سنگ که از طرف یسار است زیر او را از طرف مشرق به قدر یک ارش [و] نیم بکابند یک مشربه زر است علامت ندارد طلسم دارد چهل مرتبه اخلاص بخواند بکابند بردارند.

۱. متن: عرش (ارش واحد طول به اندازه تقریبی نیم متر است). در موارد بعدی هم گاهی عرش آمده است.

۲. بکابند به معنی بکاوند است.

۳. متن: غزقان (به معنی دیگ)

۴. در این متن «بحر» همه جا به معنی «جنوب» است.

۵. متن: جعده



## باب ۵

در **صحن سرای شیخ جمال** به قدر دوازده قدم کثیف<sup>۱</sup> می‌شود از طرف بحر صنفه [ای] دارد به قدر شش قدم بشری می‌شود و آن صنفه به قدر یک وجب دو شبره ارزیز<sup>۲</sup> بالا آمده است سه گوشه دارد گوشه [ای] که در روبروی شیخ جمال است ابتدا همان گوشه را به قدر یک ارش بکابند یک تابه<sup>۳</sup> زر است طلسم ندارد علامت هم ندارد.

## باب ۶

در **حلاج محله فومن** میان مزرعه مزاری دارد که او را «مزار سرخ ملا» می‌گویند و آن مزار دو درخت مازو دارد بحری و شرقی آن درخت که از طرف شرقی است در زیر همان درخت چهار قدم گرد<sup>۴</sup> از جانب غربی تلی دارد کوچک به قدر سه ارش مدور می‌شود وسط او را یک ارش [و] نیم بکابند یک مشربه زر است اخلاص بخواند بکابند.

## باب ۷

از طرف غربی **رستم کوه چشمه** [ای] دارد که آن چشمه را «رستم چشمه» می‌گویند و آن چشمه به یک خط مستقیم از طرف غربی روبروی امامزاده است آب آن چشمه از طرف غربی می‌رود از کنار فوق آن چشمه را دو ارش موضوع کند سر دو ارش مدور کرده به قدر یک ارش [و] نیم بکابند یک مشربه زر است سکه فیروزشاه طلسم دارد چهار قل را بخواند علامت ذغال است با سنگ بکابند بردارند.

## باب ۸

در **قلعه رودخان** دشت دارد که او را «دشت خشت کوره‌سر» می‌گویند از طرف بحر آن دشت غارپاکی<sup>۵</sup> دارد که سه گوشه دارد از شمال بحر و مغرب آن غارپاق را غارپاق صیصون (?) گویند آن گوشه غارپاق که از طرف شمال است وسط او را از طرف غارپاق به قدر دو ارش بکابند دو خم زر است یکی سفید یکی سرخ از مال وزیر میرزا ابوالقاسم هندی است طلسم دارد فیل است آیه فیل را بخواند بکابند بردارند علامت آجر است.

## باب ۹

در پشت سر خود قلعه از طرف غربی سنگ سفیدی دارد که در سر آن سنگ شکل شیری زده‌اند آن

۱. در اینجا به معنی فشرده

۲. ارزیز به معنی فلز قلع است.

۳. تابه به معنی ماهیتابه است. متن: + بدهنه

۴. به معنی قدم معمولی

۵. غارپاق (یا قالپاق) در ترکی به معنی درپوش است.



سنگ را بردارند در زیر آن سنگ یک دیگ زر است طلسم دارد در وقت کندن عزایم را با آیه الکرسی بخواند بکابند در زیر علامت همان سنگ است.

### باب ۱۰

در قریه از بر فومن مزاریست که او را «سه برادران» می‌گویند و آن مزار سه درخت دارد از مازو بحری شرقی غربی از زیر همان درخت شرقی به قدر ده قدم بشری می‌شود از طرف شمال صغه دارد که داخل طول آن صغه از شرقی غربی پنج ارش می‌شود از بحر و شمال شش ارش می‌شود تمام آن صغه آجر است از هر طرفش استخراج کند وسطش را به قدر دو ارش بکابند یک خم و یک آفتابه زر است از مال وزیر اعظم است طلسم دارد جوشن غضب<sup>۱</sup> را بخواند نوزدهم بیستم تا بیست [و] پنجم بخواند بکابند بردارند.

### باب ۱۱

در گوراب پس<sup>۲</sup> مزاریست او را «سید میرزا» می‌گویند و در آن مزار چشمه [ای] دارد که آبش بسیار کم است شفای بیمار است و آب آن چشمه طرف شمال می‌رود از فوق آن چشمه سنگی دارد سیاه به عرض نهاده‌اند چهار کنج است در بالای آن سنگ آجر از لتی (؟) گذاشته‌اند هر دو روی آجر از لتی (؟) است او را بردارند سنگ را هم بردارند از زیر همان سنگ یک دیگ زر است و یک بشقاب طلا سرپوش آن است طلسم دارد بکابند بردارند.

### باب ۱۲


در قلعه رودخان کوهی است که آن کوه را مشهور به «خشت کوره سر» می‌گویند در جزیره (؟) آن کوه از طرف بحر درختی دارد که او را درخت زیتون می‌گویند و آن درخت در کنار گودی است از زیر همان درخت از طرف شمال صغه دارد تمام آن صغه هشت قدم ثقیل می‌شود و آن صغه سه گوشه دارد. میان آن گوشه که از طرف بحر است فرض است سه خم زر در همان مکان است علامت همان گنج است معلوم است از شب شنبه و یکشنبه ظهور می‌کند و آن مکان روشن می‌شود طرف مغرب و شمال را استخراج کند وسطش را دو ارش بکابند علامت آجر است طلسم دارد چهار قل هو الله را با عزایم بخواند بکابند بردارند.

### باب ۱۳

در قلعه رودخان کوهی است از طرف مغرب خشت کوره سر که او را «مجرم کوه» می‌گویند و آن

۱. منظور دعای جوش کبیر است.


۲. متن: کوراب پس

کوه چشمه [ای] دارد که آبش از طرف بحر می‌رود از فوق آن چشمه سنگی دارد سفید است در سر آن سنگ حروف زده‌اند  و وسط آن سنگ از هر طرف چشمه به قدر یک ارش بکابند یک مشربه زر است از سکه فیروزشاه از مال وزیر ابوالقاسم هندی است طلسم دارد آیه‌الکرسی چهل مرتبه بخوانند بکابند بردارند.

#### باب ۱۴

در دشت خشت کوره‌سر از طرف شرقی آن دشت دو سنگ دارد نصب است مانند سنگ روبروی غارپاق به قدر هشتاد قدم ثقیل می‌شود و آن [دو] سنگ هم یکی طرف مشرق یکی طرف مغرب نصب است هر دو ابلق زیر آن سنگ مغربی در وسطش به قدر یک ارش [و] نیم بکابند یک مشربه زر است از مال وزیر طلسم دارد چهل مرتبه اخلاص با قدر را بخوانند علامت سه سنگ تراش زده است بکابند بردارند.

#### باب ۱۵

در ریحانه‌ور قلعه رودخان چشمه [ای] دارد او را «مریم چشمه» می‌گویند آب آن چشمه از طرف مشرق می‌رود و در فوق آن چشمه سنگی دارد سفید و سیاهست در طرف سفیدی آن سنگ را حروف زده‌اند بر این نهج است  زیر آن سنگ از طرف بحر به قدر یک ارش یک دیگ زر است یک مجمعه سرپوش است طلسم دارد عزایم دارد با آیه‌الکرسی بخواند بکابند بردارند.

#### باب ۱۶

در ریحانه‌ور سنگی دارد که او را «ریحانه سنگ» می‌گویند و عرض<sup>۱</sup> [و] طول آن سنگ از بحر و شمال دوازده قدم بشری می‌شود و آن سنگ هم زرد است و از آن طرفی که نه قدم است از هر طرف استخراج کن وسطش به قدر دو ارش بکابند سه خم زر است از سکه افلیون (؟) شاه مال وزیر اعظم است طلسم دارد اجته است قل اوحی با عزایم را بخواند علامت ذغال است با سنگ بکابند بردارند.

#### باب ۱۷

در پیش روی دروازه قلعه [رودخان] به قدر هشت قدم بشری می‌شود سنگی نصب است سیاه روبروی دروازه زیر همان را در وسط آن سنگ از طرف دروازه به قدر یک ارش بکابند یک خم زر

۱. متن: ارض

است گوهر شبچراغ<sup>۱</sup> در سر همان خم است از مال وزیر اعظم طلسم دارد جوشن غضب را بخواند علامت آجر است بکابند بردارند.

### باب ۱۸

در **سسطلان** چشمه‌ای دارد او را «خلیل چشمه» می‌گویند و آن چشمه واقع است به کنار رود و آب آن چشمه داخل همان رود می‌شود و بالای همان چشمه سه سنگ است از شرقی و غربی و شمالی آن سنگ که در وسط آن دو سنگ است سفید است در سر او حروفی زده‌اند **و** وسط او را از طرف سنگ شمالی یک ارش بکابند یک مشربه زر است علامت ندارد طلسم دارد ده قاف<sup>۲</sup> را بخواند بکابند بردارند.

### باب ۱۹

در **سسطلان** چشمه [ای] دارد که او را «روبه چشمه» می‌گویند و آب آن چشمه از طرف شمال می‌رود در بالای آن چشمه از طرف بحر مقدار دو ارش فاصله از چشمه می‌شود صفة [ای] دارد به قدر سه ارش مدور می‌شود وسط او را به قدر یک ارش [و] نیم بکابند یک خم زر است طلسم دارد ده قاف را با آیه‌الکرسی بخواند بدمد علامت آجر است با سه سنگ آسیابی بکابند بردارند.

### باب ۲۰

در **سسطلان** سنگی دارد که او را مشهور به «پلنگ سنگ» می‌گویند در پشت سر آن سنگ از طرف بحر به قدر شش قدم ثقیل می‌شود صفة [ای] دارد به قدر چهار شیره از ارض بالا آمده است و عرض<sup>۳</sup> [و] طول آن صفة به قدر چهار ذراع می‌شود مدور است وسط او را به قدر دو ارش بکابند یک قزغان<sup>۴</sup> زر است یک مجمعه<sup>۵</sup> سرپوش است طلسم دارد جوشن غضب را شروع کند علامت آجر است بکابند بردارند.

### باب ۲۱

در **سید سرای** فومن چشمه [ای] دارد که او را «چشمه ابراهیم» می‌گویند و آبش از جانب بحر

۱. متن: شمع چراغ

۲. «ده قاف» نام شش آیه قرآن که ده بار حرف قاف در آنها آمده که به مجموعه این شش آیه دعای شصت قاف می‌گویند. برای این آیات کاربردهای فراوانی قائلند و بخصوص آنها را باعث باطل شدن سحر و جادو و دور ماندن از بلاها و گرفتاریها میدانند. آیات ده قاف عبارتند از: آیه ۲۴۶ سوره بقره، آیه ۱۸۱ سوره آل عمران، آیه ۷۷ سوره نسا، آیه ۲۷ سوره مائده، آیه ۱۶ سوره رعد و آیه ۲۰ سوره مزمل.

۳. متن: ارض

۴. متن: غزغان

۵. متن: مجموعه

می‌رود در فوق آن چشمه به قدر ذراع می‌شود سنگی سیاه دارد به قدر دو و جب می‌شود از ارض بالا آمده است سنگ را بردارند در زیر آن سنگ یک دیگ زر است فاقع<sup>۱</sup> از مال وزیر میرزا ابوالقاسم هندی است طلسم دارد قل اوحی<sup>۲</sup> بخواند بدمد علامت همان سنگ است بکابند بردارند.

### باب ۲۲

از طرف شرقی رودبار خسروآباد از بالای سر شرقی شاغرض (؟) کوهی است که در آن کوه دو سنگی دارد او را «شمشیرزن سنگ» می‌گویند و فاصله آن دو ارش می‌شود شمالی و بحری در کمره هر دو سنگ نقش شمشیر و غلاف زده‌اند آن سنگ که نقش شمشیر و غلاف زده‌اند به قدر یک ارش [و] نیم از طرف شرقی موضوع کند به قدر یک ارش [و] نیم بکابند دو دیگ [و] یک مشربه زر است طلسم دارد عزایم بخواند علامت تمام سنگ است روی هم چیده‌اند بکابند بردارند.

### باب ۲۳

[از] طرف بین شمال «شمشیرزن سنگ» به خط مستقیم از طرف پایین مشرق و شمال هفده قدم ثقیل می‌شود صغه [ای] دارد که عرض<sup>۳</sup> [و] طول آن صغه هفده ارش مدور می‌شود از هر طرفش استخراج کن وسط او را دو ارش بکابند یک خم زر است طلسم دارد فیل است آیه فیل را بخواند با جوشن غضب علامت تمام آجر است بکابند بردارند.

### باب ۲۴

از طرف شمال «شمشیرزن خشت» پشته [ای] دارد که «سپهسالاری» می‌گویند از فوق سپهسالاری به قدر هفت ارش می‌شود که مزبله دارد در پایین مزبله و سپهسالاری غارپاقی دارد که او را غارپاق جوشور (؟) می‌گویند و در سر آن غارپاق سنگ تراش زده‌اند آسیابی است او را بردارند برونند سر غارپاق را یک ارش [و] نیم بکابند یک قزغان زر فاقع است طلسم ندارد علامت سنگ است بکابند بردارند.

### باب ۲۵

در ملسکام<sup>۴</sup> چشمه‌ایست نام آن چشمه را «قیارچشمه» می‌گویند و آب آن چشمه از طرف شرقی می‌رود و بالای آن چشمه از طرف غربی یک سنگ دارد ابلق است که در سر آن حروف ظا زده‌اند از

۱. فاقع به معنی زرد روشن است.

۲. «قل اوحی» ابتدای آیه اول سوره جن است و مراد خواندن همین آیه یا خواندن تمامی سوره است.

۳. متن: ارض

۴. متن: ملسکان

طرف شرق همان سنگ است که محاذی چشمه است به قدر یک ارش [و] نیم بکابند یک قزغان زر است و یک مجمعه<sup>۱</sup> سرپوش است طلسم دارد اجنه است در وقت کابیدن حجر باریدن می‌گیرد قل اوحی را با آیه‌الکرسی با عزایم بخواند علامت ندارد بکابند بردارند.

#### باب ۲۶

در **ملسکام** مزاری است که او را «مزار سرخ‌ملا» می‌گویند و آن مزار واقع است به کنار رود از طرف غربی آن مزار کوهی است که او را هم «کوه سرخ‌ملا» می‌گویند گیاه روئیده نمی‌شود و در آن کوه سنگی دارد که او را «گاوسنگ» می‌گویند و آن سه سنگ است از شرقی بحری غربی و بر سر هر یک حروف مقطعه زده‌اند **س م ع** و هر سه سنگ سرخ است در زیر هر یک یک دیگ زر است طلسم دارد و در وقت کابیدن باران خواهد آمد عزایم با قدر را بخواند موقوف شود علامت سنگ است بکابند بردارند.

#### باب ۲۷

ایضاً در **شیخ جمال** چشمه [ای] دارد به قدر هشتاد قدم از طرف شرقی می‌شود که از شیخ جمال دور است و آن چشمه را هم «حوران چشمه» می‌گویند و آب آن چشمه هم از طرف مابین بحر و مشرق می‌رود از همان چشمه که از طرف فوق به قدر دو ارش موضوع کند سر دو ارش را به قدر یک ارش [و] نیم بکابند یک خم زر فاقع است که سکه و زر آن شاه (؟) از مال وزیر ابوالقاسم است طلسم دارد عزایم را بخواند علامت ندارد بکابند بردارند.

#### باب ۲۸

در **خشت مسجد پسیخان** چشمه [ای] دارد کنار رودخانه که نام آن چشمه را «مؤمنان چشمه» می‌گویند و آن چشمه مانند چاهبست که صدق (؟) چاه می‌کند آبش کم است از طرف بحر به همان رودبار می‌رود در بالای آن چشمه به قدر دو ارش از طرف قبله به خط مستقیم صفت کوچکی دارد آن صفت کوچک وصل است به یک صفت بزرگ ابتدا همان صفت کوچک از طرف چشمه به قدر یک ارش بکابند یک مشربه زر است از سکه فیروز شاه و یک جام مسی سرپوش است طلسم ندارد علامت ندارد.

#### باب ۲۹

در **خطیبان تولم**<sup>۲</sup> مزاری است که او را مشهور به «چشمه ننه<sup>۱</sup> خانم» می‌گویند و آب آن چشمه از

۱. متن: مجموعه

۲. روستای دیگری هم به نام خطیبان در شفت هست.

شرق بر ده می رود از جانب بحر آن چشمه سنگی دارد مثال گرگ (کرک؟) است و چشم دارد سفید است زیرین چشم هایش به قدر یک ارش بکابند یک تابه تا به در<sup>۲</sup> اکسیر است طلسم دارد والشمس را بخواند علامت خاک سفید است علامت دیگر ندارد بکابند بردارند.

### باب ۳۰

در **مردخه تولم** مزاری است که او را مزار «احمدخان مزار» می گویند و آن مزار شهیری است و آن مزار واقع است به میان مزرعه و از طرف شرقی آن مزار صغه [ای] دارد و در آن صغه به قدر هشت قدم بشری می شود تلی کوچک دارد به قدر شش ارش مدور می شود که تمام آجر است وسط او را به قدر یک ارش [و] نیم بکابند یک خم زر واقع است و یک گوهر شبچراغ<sup>۳</sup> بالای آن خم است و یک جام مسی سرپوش است طلسم دارد باران می آید قل اوحی با عزایم را بخواند بکابند بردارند.

### باب ۳۱

در **مرجفل پشته** [ای] دارد که او را مشهور به «پشته مدور» می گویند از طرف شمال آن پشته صغه [ای] دارد چهارکنج است که از آجر ساخته اند گوشه [ای] در تحت مغرب گوشه [ای] در فوق مغرب دو گوشه هم فوق شمال [و] تحت شمال است آن گوشه که در فوق شمال است به قدر دو ارش او را از طرف فوق به جانب بحر موضوع کند دو ذراع بکابند یک خم زر است و یک کتاب گنج قباله از مال وزیر اعظم بالای او است طلسم دارد جوشن غضب را بخواند دور خود را خطی بکشد بکابند بردارند.

### باب ۳۲

در **مرجفل مسجدی** است که او را «مسجد شیخ مرتضی» می گویند در حجره آن مسجد از طرف شرقی کول<sup>۴</sup> پشته [ای] دارد در وسط آن کول پشته را دو ارش بکابند سه خم زر است یکی رفع (؟) است علامت ریگ سفید است از مال وزیر میرزا ابوالقاسم هندی است طلسم دارد چهار قل را با آیه الکرسی بخواند بکابند بردارند.

### باب ۳۳

در **گوراب تولم خشت مسجدی** است که او را مشهور به «مسجد ملا نصیر صرصون» می گویند در

→

۱. نه نه

۲. در متن «به» زاید آمده است.

۳. متن: شمع چراغ

۴. کول در گیلکی به معنی پشته است.

صحن آن مسجد سه صفة دارد از مشرق مغرب هر صفة را از آجر بالا آورده‌اند صفة اولی [و] آخری را بگذارد صفة وسطی را از هر طرف استخراج کند وسط او را یک ارش [و] نیم بکابند یک قزغان زر فاقع است از سکه نصران شاه از مال وزیر [عبد] الوهاب طلسم دارد عزایم را بخواند علامت همان آجر است بکابند بردارند.

#### باب ۳۴

در گوراب سنگی است که او را مشهور به «شترسنگ» می‌گویند از طرف بحر آن سنگ به قدر هشت قدم بشری می‌شود صفة [ای] دارد که عرض<sup>۱</sup> [و] طول آن صفة چهار ارش می‌شود وسط آن را به قدر یک ارش [و] نیم بکابند یک مشربه زر است سکه فیروز شاه از مال وزیر میرزا نورالله هندی طلسم دارد چهل مرتبه آیه‌الکرسی با قدر را بخواند علامت خاک است من بعد مقصود.

#### باب ۳۵

در گوراب چشمه [ای] دارد که او را «قیدر چشمه» می‌گویند و آن چشمه واقع است به کنار رودخانه و آب آن چشمه هم به رود می‌رود در وسط رود آن چشمه سنگی سفید است مانند گوسفند پیش روی آن سنگ را رو به جانب چشمه در زیر شاخ او به قدر یک ارش [و] نیم بکابند یک مشربه زر است طلسم دارد ده قاف را بخواند علامت آجر است من بعد سنگ بکابند بردارند.

#### باب ۳۶

در گوراب بقعه‌ایست که او را «درویش حسین معظم» می‌گویند در صحن سرای آن بقعه سه صفة دارد شمال و بحر [و] مغرب آن صفة که از جانب مغرب است در وسط آن تلی دارد کوچک است به قدر سه ارش مدور می‌شود وسط او را یک ارش بکابند یک دیگ زر است طلسم دارد چهار قل را با آیه‌الکرسی بخواند بکابند بردارند علامت اول سنگ است دویم آجر است.

#### باب ۳۷

در خطیبان تولم مزاری است که او را مشهور به «علی آقا» می‌گویند و آن مزار سه درخت دارد آزاد است بحر و مشرق [و] مغرب و آن درخت که از طرف مغرب است در زیر آن درخت آجر دارد تهی است که مردم زیارت می‌کنند زیر همان آجر تهی را به قدر یک ارش [و] نیم بکابند یک مشربه زر است از سکه فیروز شاه از مال وزیر میرزا نورالله هندی است طلسم دارد چهار قل را بخواند علامت ذغال است بکابند بردارند.

۱. متن: ارض






### باب ۳۸

در ازبر پشته [ای] دارد میان مزرعه که او را «قیصر پشته» می گویند در سر آن پشته گیاه روئیده نمی شود عرض<sup>۱</sup> [و] طول آن پشته از شرقی غربی هفت ارش می شود از شمال بحری چهار ارش می شود از طرف شرقی او را پنج ارش موضوع کند در سر پنج ارش یک ذراع بکابند یک مشربه زر است از سکه فیروز شاه از مال میرزا ابوالقاسم هندی است طلسم دارد چهل مرتبه قدر را با آیه الکرسی بخواند بکابند بردارند علامت آجر است.

### باب ۳۹

در ازبر مزاری هست نزدیک به رودبار که او را «مزار آقا سلیم» می گویند که فاصله مزار تا به رودبار به قدر نود و نه قدم ثقیل است در آن مزار غاریاقی دارد «ابوالقنوقی» می گویند در توی آن غاریاق سنگ مرمر تراش زده اند نهاده اند بالای آن غاریاق را دو ارش از تحت آن غاریاق را موضوع کند به قدر دو ارش [و] نیم بکابند یک دیگ اکسیر است و یک مشربه زر واقع است. علامت سنگ مرمر است طلسم دارد در وقت کابیدن جوشن غضب را بخواند بکابند بردارند.

### باب ۴۰

در ازبر دشتی دارد او را «دشت روکعلی» می گویند در آن دشت از طرف شمال و بحر دو سنگ دارد هر دو سیاه [و] سفید است بر سر هر دو سنگ حروف زده اند  و آن سنگ شبیه به بز<sup>۲</sup> می شود در زیر هر یک از وسط سنگ رو بروی یکدیگر را به قدر یک ارش بکابند یک مشربه زر است از سکه فیروز شاه از مال وزیر طلسم دارد اخلاص با چهار قل را بخواند بکابند علامت ذغال است بی سنگ بکابند بردارند.

### باب ۴۱

در گوراب<sup>۳</sup> پس فومن مسجدی است که او را «مسجد میرزا شفیع» می گویند در صحن آن مسجد مزاری است که قبرخانه او از آجر است در پایین پای او را دو ارش از طرف شرقی موضوع کند به قدر یک ارش [و] نیم بکابند یک مشربه زر است علامت ندارد طلسم دارد سنه ۱۳۱۰ منقضی می شود بکابند بردارند.

۱. متن: ارض

۲. متن: بوز

۳. متن: کوراپس



## باب ۴۲

در حلاج محله فومن چشمه [ای] دارد که نام آن چشمه را مشهور به «چشمه حوری خانم» کرده‌اند و آن چشمه آبش از جانب بحر می‌رود از کنار همان چشمه به قدر هفت قدم بشری می‌شود از طرف شمال سنگی دارد ابلق است به قدر سه ارش از ارض بالا آمده است وسط آن سنگ را از طرف مغرب به قدر دو ارش بکابند یک خم زر است و یک گوهر شبچراغ<sup>۱</sup> بالای اوست علامت آجر است طلسم دارد ده قاف را بخواند بدمد بکابند بردارند.

## باب ۴۳

در قریه سه‌سار سنگی است که او را مشهور به «مادر سنگ» می‌گویند و آن سنگ مانند انسان پستان دارد که دو ارش<sup>۲</sup> [بالا] آمده است وسط آن دو پستانش را به قدر دو ارش بکابند دو قزغان روی هم است یکی فاقع یکی ابیض یک مجموعه<sup>۳</sup> نقره سرپوش است طلسم دارد عزایم با آیه‌الکرسی را بخواند علامت ذغال است بکابند بردارند.

## باب ۴۴

در سه‌سار چشمه [ای] دارد که او را «ظاهر چشمه» می‌گویند و آن چشمه آبش کم است در فوق [و] تحت آن چشمه دو سنگ دارد یکی سفید یکی سیاه و آن سنگ سیاه دو دست دارد [که در] ارض فرو رفته است وسط آن [دو] دستش را یک ارش [و] نیم بکابند یک مشربه زر است از سکه فیروزشاه از مال وزیر طلسم دارد چهار قل را بخواند علامت آجر است بکابند بردارند.

## باب ۴۵


در سه‌سار پشته ایست میان مزرعه که او را مشهور به «زینب [پشته]» می‌گویند و عرض<sup>۴</sup> [و] طول آن پشته از مشرق [و] مغرب هفت ارش خفیف<sup>۵</sup> می‌شود از بحر و شمال پنج ارش خرزیر (؟) می‌شود از هر طرفش استخراج کند وسطش را دو ارش بکابند یک قزغان زر است از سکه فیروزشاه از مال وزیر میرزا ابوالقاسم هندی یک مجموعه<sup>۶</sup> سر پوش [آن] است طلسم دارد ده قاف را بخواند بدمد علامت ندارد بکابند بردارند. تمام م م م م م شد.

الهی (؟) از پیشگاه (؟) تو شفیع امید رحمت داریم.

۱. متن: شمع چراغ
۲. متن: ارض
۳. متن: مجموعه
۴. متن: ارض
۵. متن: تخفیف
۶. متن: مجموعه


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در ملک لاهیجان<sup>۱</sup> قریه [ای] هست که او را آهندان گویند در آنجا چشمه ایست لقب «خنک چشمه» گویند سه سنگ دارد در سر سنگ بدین شکل کشیده اند  در زیر همان سنگ دو آفتابه<sup>۲</sup> زر مدفون است دو ارش بکابند بردارند.

ایضاً در آهندان جایی است ملقب به «منبر سنگان» همان سنگ را پیدا کرده سنگ را بردارند زیر سنگ را دو ارش بکابند یک کوزه زر سرخ است.

ایضاً در آهندان جایی است که «گنج سردابه» گویند آن محل را معین کرده و آن محل سردابه را بکنند در میان سردابه یک خم زر مدفون است اصل معادن سردابه را بکابند پیدا شود.

ایضاً در آهندان پشته ایست در سر پشته سه سنگ است در سر سنگ به این قسم نشان کشیده اند  در زیر همان سنگ یک مشربه زر مدفون است پنج ارش بکابند.

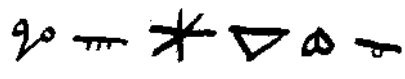
ایضاً در آهندان محله ایست که «کرد محله» گویند و در آنجا پشته [ای] بود لقب [آن] «زرکول» است و در آنجا سنگی نهاده اند میان تهی در زیر سنگ هفت خم زر است.



ایضاً در آهندان جانی است ملقب آ به «کوتی کون» همان «کوتی کون» بلندی است چهار ارش بکابند پنج خم زر سرخ است بردارند.

ایضاً در آهندان پشته [ای] نهاده اند در سر پشته سه سنگ است یک سنگ به قد آدم در نزد آن سنگ یک مشربه زر است بکابند بردارند.

در کنف گوراب چاهی است مشهور به «خان احمد چاه» دو ارش از چاه دورتر به طرف مشرق

سه ارش بکابند یک طیان<sup>۳</sup> زر سرخ مدفون است. 

۱. لاهیجان همه جا در متن به این صورت آمده است.

۲. متن: لقب

۳. طیان (یا تیان) به معنی دیگ است.

در بجار پس مزاری است در پهلوی مزار درخت توسه [ای] است در زیر درخت پنج مشربه زر مدفون است سه ارش همان زیر درخت را بکابند پیدا شود.

در شیرابه مزاری است در پهلوی مزار درخت آزادی است پیش روی درخت چاهی از خشت پنهان است دو ارش از چاه دورتر رو به طرف مغرب یک رطل زر سرخ مدفون است سه ارش همان مکان را بکابند پیدا شود بی طلسم.

در کیسُم زیارتگاهی است در پهلوی زیارتگاه درخت آزادی است رو به قبله به طرف درخت سه آفتابه زر مدفون است همان محل را سه ارش بکابند پیدا شود.

در کیسُم مسجد جامع مشهور است در سر راه به طرف جنوب سه ذرع دورتر پنج لوله زر مدفون است نیم ذرع بکابند پیدا شود.

در کیسُم در پشت چشمه یک طرف [ف] نزدیک به آب میان سه راه به هم افتد درخت باشد که تخم او سیاه است در زیر همان درخت یک خم زر مدفون است سه ارش بکابند پیدا شود.

در قلعه بیکان (؟) از جانب غرب<sup>۱</sup> یکی [هم] از جانب شمال از هر طرف پنج ارش بکابند دری از فولاد [و] کلید هفت جوش نمایان شود پر از گنج است طلسم دارد  
 ۲ ۵ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰  
 را بخواند دفع شود.

در میل سلطان (؟) همان را سه ارش بکابند پنج خمره زر است. : ۵ ۶  
 در قریه بهرام آباد خرنند پشته دو سنگ است یکی کبود و سنگ ثانی سرخ است در زیر هر کدام را بکابند پنج ارش دو خمره زر است.

در کلاریجان (؟) در زیر برنج زار سه سنگ نهاده اند در سر سنگ دوات کشیده اند و در سر یکی شکل قلم و آن سنگی [که] دوات کشیده اند ۱۰۳ مشربه زر است در زیر آن طلسم دارد در

حین کندن رمد (؟) بخواند مشغول به کندن شود. ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰

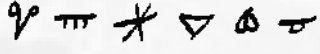
در کچلان جایی است که ملقب<sup>۲</sup> [به] «آسیاب مزار» گویند و در آنجا درخت آزادیست که پیش روی مزار است میان مزار چهار ارش بکابند سه خم زر سرپوش از خشت نقره رویش نهاده اند و طشت از مفرغ<sup>۳</sup> قرص کرده اند به سکه فیروز شاه است.

در قلعه طولا قلعه [ای] هست سر کوه کوچک سه سنگ نهاده اند که از دور سفید می نماید و از

۱. متن: غروب  
 ۲. متن: مقلب  
 ۳. متن: مفرغ

نزدیک سرخ و در میان سنگ‌ها سنگی هست بزرگ در میان ظرف<sup>۱</sup> دوا نهاده‌اند کیمیا می‌گویند همان محل را بکابند بردارند.

در پشتستان<sup>۲</sup> صفه [ای] نهاده‌اند در همان صفه یک خم زر مدفون است بی طلسم بکابند بردارند. در سپهدان و محمودان گویند به سمت غرب<sup>۳</sup> آنجا جایی است ملقب به «داغدار» اسم درختی است می‌گویند به سمت غرب<sup>۴</sup> پهلوی درخت یک ارش گذشته سه ذرع بکابند دو طیان زر یکی سرخ یکی سفید و خشت طلا بالایش گذاشته سه ارش بکابند مال میرزا نصرالله وزیر اعظم فیروز شاه اعظم است.

در قریهٔ زمیندروود (؟) که قرب شهر بجار است «زیلاک» گویند یک قلعه‌ایست در برابر قلعه کوهی است که اثر ظاهر است در توی قلعه بالای کوه موضعی است مثل سردابهٔ مرتفع است در آن سردابه یک مشربه جواهر است سه ارش همان محل را بکابند پیدا شود [طلسمش این]  است.

در برف‌جان دروازهٔ حصاری است در آستانهٔ حصار یک خم زر است دو ارش [و] نیم بکابند پیدا شود.

در لشته‌نشا در ده ولم سر راه درخت آزاد بزرگی دارد به طرف مغرب چهار ارش از درخت دورتر زر سرخ بی‌اندازه مدفون است چهار ارش همان مکان را بکابند سنگ سفیدی پیدا شود سنگ را بردارند در زیر سنگ گنج را بردارند.

ایضاً در لشته‌نشا مسجد قدیم است میان مسجد معین ساخته و یا از دیوار مسجد تا به دیوار روبرو میانه نموده عدل<sup>۵</sup> مسجد را مشخص کند سه خم زر مدفون است همان عدل را بکابند پیدا شود.

ایضاً در لشته‌نشا در حوالی قبر<sup>۶</sup> شاه محمود درخت آزاد بزرگ است رو به مشرق دو ارش از درخت دورتر یک خم بزرگ زر سرخ نهاده‌اند و خشت بزرگی در روی او می‌باشد دو ارش [و] نیم قدیم همان محل را بکابند پیدا شود.

در بالای فیل‌ده رودبار مزاری است چشمه‌ایست مشهور در دست راست درخت<sup>۷</sup> آزادی است سه سطل زر مدفون است زیر درخت آزاد را بکابند پیدا شود.

۱. متن: ظرف

۲. متن: لستان (بی نقطه)

۳. متن: غروب

۴. متن: غروب

۵. عدل به معنی وسط است.

۶. متن: قرب

۷. متن: درختی

در **فیل ده رودبار** [دو] راهی است میان دو راه حمامی است در پشت حمام سنگ ابلق<sup>۱</sup> نهاده‌اند و در زیر سنگ یک قزغان زر است.

در برابر **آستانه** سید جلال‌الدین اشرف مزاری است و در میان مزار درخت آزادی است در زیر درخت یک خم زر مدفون است بکابند بردارند.

در **چماچاه**<sup>۲</sup> شفت جایی است مشهور [به] «شاه خانم طلار»<sup>۳</sup> است اندرون طلار شش ارش از پلکان دورتر گنج بسیار گذاشته‌اند و جواهرات در میان گنج و یک کتاب بالای گنج نهاده‌اند جلد کتاب از مفرغ<sup>۴</sup> است و مجموع محل دفاین را در آن کتاب نوشته‌اند آن محل که شاه خانم طلار مشهور است از پلکان دورتر بکابند دری پیدا می‌شود خانه گنج همان جا است بی استاد نروند. در **کچا** در سامان **رود برده** بقعه [ای] هست «آقا سید خواجه علی آقا» می‌گویند پهلوی استخر<sup>۵</sup> کنار مرزعه یک خم زر مدفون است بکابند بردارند.

در **پیش کنار کهدم** مزاری است مشهور «آقا سید حسن» گویند صفة [ای] نهاده‌اند در پشت بقعه دو درخت آزاد<sup>۶</sup> است یکی طرف مغرب و یکی به طرف مشرق مابین دو درخت شش ارش طول دارد سه خم زر مدفون است عدل را معین کرده همان عدل را پنج ارش بکابند.

در **رودبار کنار دارستان** مزاری است در میان مزار درخت آزادی است یک خم زر مدفون است بکابند.

در **جوین**<sup>۷</sup> **رودبار** زیر درخت اولس که فق<sup>۸</sup> [باشد] بر دست راست به در **آستانه** خانه زر بسیار مدفون است بکابند.

در **خورگام عمارلو**<sup>۹</sup> سنگی نهاده‌اند شاخ دارد پهلوی سنگ نشان پستان دارد زیر همان سنگ دو قزقان از زر مدفون است چهار ارش بکابند پیدا شود.

در **علی آباد رودبار** درخت شمشادی است یک قزغان زر به سکه غیاث‌الدین پادشاه مدفون است در محل<sup>۱۰</sup> زیر درخت مذکور بکابند پیدا شود.

در **بیلاق دلفک** جایی است که «**شاه**» **شهیدان** مشهور است چشمه [ای] در آنجاست در

۱. متن: ابلغ  
 ۲. متن: چماچار  
 ۳. طلار به معنی تالار است.  
 ۴. متن: مفرغ  
 ۵. متن: اسطوخ  
 ۶. متن: آزادی  
 ۷. متن: جوین  
 ۸. اولس و فق نام‌های دیگر درخت ممرز (بید سفید) است.  
 ۹. متن: خورگام انبالو  
 ۱۰. متن: محله

بالای چشمه سنگ پهن نهاده‌اند در زیر همان سنگ یک قزغان زر مدفون است بکابند.  
در کوشا<sup>۱</sup> مزاری است در پهلوی مزار امامزاده [ای] دارد رو به مغرب جانب قبله درخت آزادی  
است برابر امامزاده قدری بلندی دارد همان بلندی را بکابند یک خم زر از مال سلیم گبر وزیر گبر  
است سه ارش بکابند.

در قلعه کوه لاهجان که آحاد «کوه کیا» (کاکوه؟) گویند یکی از شهرهای قدیم دیلم است  
شهری عظیم بوده است منازل پادشاهان و بارگاه سروران معادن [و] دفاین آن مکان بی پایان است.  
در خشک‌رود دیلمان کوشک‌ها [هست] در زیر آن پنج خم زر مدفون است شش ارش بکابند  
پیدا شود.

در پلنگ‌سرا در برابر دخول سنگی نهاده‌اند روبرو بار کرده‌اند در میان او سه دیگ زر است  
چهار ارش<sup>۲</sup> بکابند بردارند.

در قلعه کل در آنجا جایی است توابع سرچشمه آب جاری می‌آید در سرچشمه سنگ پهن است  
روی سنگ را نقش کنده‌اند زیر سنگ یک قزغان زر سفید است.

در خرتیزه (؟) در زیر خرتیزه چشمه [ای] رو به مشرق آید سنگ آهک است در زیر آن در گذر  
رو به طرف شمال یک مشربه زر مدفون است سه ارش بکابند پیدا شود.

در بالای خرتیزه قبر [ای] است مشهور به «پیر مؤمن» پایین قبر پنج ارش یک خم زر [و] یک  
قزغان اشرفی [و] سه دانه گوهر است بکابند بردارند.

در راه انک (؟) در سر راه شاه درختی است در پهلوی درخت به طرف آفتاب بر آمدن سنگ  
ابلق نهاده‌اند زیر آن سنگ چهار قزغان زر نهاده‌اند پنج ارش بکابند.

در براجان (؟) مزاری است «گرده‌سنگ» نامند رو به قبله نهی جاری است و میان نهر سنگ  
[که رویش] صورت مار کشیده‌اند در زیر همان سنگ یک قزغان زر سفید مدفون است بکابند.

در (یکی؟) از رودهای دیلمان سر راه گیلان جایی است «چالار پشته» مشهور است و سنگی  
تراشیده مانند پالان است در زیر آن سنگ یک دیگ زر است پنج ارش بکابند پیدا شود.

در لنگرود در لیالستان<sup>۳</sup> چشمه‌ایست که او را «دودخانی» گویند و از چشمه درگذری سنگی  
بدین شکل کنده‌اند **لااح** در زیر همان سنگ چهار مرسل (؟) زر مدفون است بکابند.

در دارالموت در شیرکوه رحمت‌آباد بالای کوه بی‌دلان خانه [ای] هست از سنگ دو روزنه دارد  
یکی به طرف شیرکوه است و یکی به طرف قلورده است روزنه [ای که] به قلورده نگاه می‌کند در

۱. در ادامه متن دو بار به صورت کوشاه آمده است.

۲. متن: چهارش

۳. متن: لیارستان

همان مقابل سنگی است به قدر مجمعه<sup>۱</sup> که به خط کوفی نوشته‌اند در زیر همان سنگ یک دیگ زرمدفون است پنج ارش بکابند.

در توت قلعه قبرستان کهنه سه قبر است در پهلوی هم سنگ وسط قبر را بردارند زیر سنگ سنگی باشد قلمدان (؟) سنگ می‌باشد یک قهور (؟) آن زر است پنج ارش بکابند.

در گشت شهر رودبارک در پهلوی ده در طرف شمال چشمه‌ایست سنگ نهاده‌اند در زیر همان سنگ یک مشربه زر مدفون است دو ارش بکابند.

در لنگرود بازاری است و در آنجا مزاری است در همان مزار درخت چناری است رو به مغرب سه ارش<sup>۲</sup> از درخت دور پیمانه کرده سه خم زر مدفون است سه ارش بکابند.

در شیرکوه رحمت آباد برنج‌زاری است در میان برنج‌زار صافه‌ایست که آن صافه دراز و بزرگ [است] و در آنجا درخت آزادی است چهارده اشرفی مدفون است زیر همان درخت را بکابند پیدا شود.

در کاروانسرای تی‌تی در پشت کاروانسرا سنگی است صورت قلم دوات کشیده‌اند در زیر همان سنگ یک طیان مدفون است سه ارش بکابند.

در قصر خالی (؟) و یا در بسته‌خانه (؟) سنگی است در زیر سنگ یک خم زر مدفون است زیر همان سنگ را سه ارش بکابند پیدا شود.

در فیل‌ده در برابر امامزاده در پشت محل دکان به سرکوه هفت خم زر مدفون است از مال چنگیزخان طلسم دارد طلسم را به کار برند.

در پایین علی‌آباد سر کوه شکار خزانه پادشاهی در دارد از زیر زمین و میان علی‌آباد اژدهای عظیم در سر او خوابیده مداخل دارالمرز آذربایجان سه سال جمیع در آنجا نهاده‌اند از مال هارون لعین است طلسم اژدها را نوشته به کار برند هفت ارش بکابند پیدا شود.

در فیل‌ده رودبار کنار سفیدرود دوراه است در میان دوراه حمام کهنه است و سنگی مربع میان دو راه است یک قزغان زر مدفون است به سکه هارون لعین بی طلسم است هفت ارش بکابند بردارند.

در خزنپور یا زنبور درختی است مشهور به درخت تاج (کاج؟) و به لفظ ترک داغ سز (؟) رو به امامزاده سنگ تراشیده‌اند و همان سنگ در خزانه پادشاهی است و پادشاه بهرام گور است طلسم حرسه کرده‌اند سنگ [را] برداشته پنج ارش بکابند طلسم را بنویسد طلسم شکسته خواهد شد انشاء الله.

در زنبور سه سنگ یا سه لول خزانه اتابک است پادشاه آن زمان است گهواره از نقره ساخته اجنه در میان گهواره طلسم این خزینه است باید همان مکان [را] پیدا کرده و بکابند و طلسم اجنه را بنویسند.

۱. متن: مجموعه  
۲. + رو به مغرب

در برابر **دارستان** مزاری است در میان مزار درخت آزادی است در زیر درخت خم آهنی پر از زر مدفون است از مال سلطان سنجر طلسم ندارد زیر درخت را بکابند.

در قلعه پایین امامزاده هاشم راه جاده درخت بلس<sup>۱</sup> فارسی درخت سفیدار گویند در زیر آن درخت خزانه جمیع پادشاهان مدفون است سنگی از طلسم ساخته‌اند بر سر خزانه نهاده‌اند زیر درخت را پنج ارش بکابند و طلسم را هم بنویسد شکسته شود.

در **سوم‌دشت** میان شاه‌رودخانه قلعه‌ایست در میان قلعه هشت خم زر است طلسم دارد. در **برزکوه** شاعرکوه است بر سر سنگی صورت خرگوش نهاده‌اند و کشیده‌اند همان سنگ را برداشته یک ارش [و] نیم بکابند.

در **کوراه** لاهجان جاده کوه گیاه بچار[ی] است در پهلوی گیاه مشهور است به «ذره سنگ» و یک دریچه دارد آن سنگ در آنجا است زیر همان سنگ دو خم زر مدفون است به سکه هرمز<sup>۲</sup> پادشاه طلسم دارد پنج ارش بکابند.

در **کشروطگل** چاهی است که «فراک» گویند و در همان جا زیارتگاهی است در پهلوی مزار درخت آزادی است نزدیک درخت آزاد سه خم زر مدفون است سه ارش بکابند طلسم دارد.

در **رودسر** برابر پرده‌پره‌سر (؟) چاهی است مشهور [به] «محمد رفیع خان» در پهلوی [آن] یک مشربه زر مدفون است در میان همان چاه مال بسیار است.

در **باباسرا** میان گوکه زیارتگاهی است در پشت زیارتگاه رو به قبله سه خم زر مدفون است طلسم دارد.

در **طالم سه‌شنبه** مسجدی است در کنار مسجد خندقی دارد در کنار خندق درخت آزادی است رو به مشرق در زیر درخت دو خم زر مدفون است یکی سرخ یکی سفید از مال کیخسرو و دو ارش بکابند بی طلسم است.

در پای مسجد قطغان (؟) در پهلوی مسجد درخت تاغ<sup>۳</sup> مشهور به داغ داغان<sup>۴</sup> [است] در زیر درخت یک قرغان زر سرخ مدفون است بر سر چاه [غارپاق] نهاده‌اند در وقت برداشتن آب بالا آید طلسم دعای آب را به کار برند بردارند.

در **طلاسرا** یا **طلابر** (؟) چفته سنگ از سنگ بزرگ نهاده است زیر سنگ پنج ارش بکابند دری پیدا شود آهن است از آن در بگذرد خانه پیش آید و از آنجا دیوار خانه معین است. خانه درش از

۱. درخت بلس همان افراست.

۲. متن: حرمز

۳. متن: تاج

۴. نوعی درخت بزرگ بومی شمال ایران با میوه خوراکی سیاه یا قهوه‌ای (دغدغان، تاقوک، تیغ).



طلاست هفت خم زر سرخ [و] سفید گردن به گردن بسته زنجیر است ازدهایی<sup>۱</sup> طلسم اوست طلسم ازدها را بنویسند بکابند و بر سر آن چفته در پایین سنگ از در پشت رودخانه سفیدرود پشت دهستان کاچان دهی است دو سل<sup>۲</sup> دارد که استخر<sup>۳</sup> است و در میان سل بلندی دارد همان بلندی را طرف قبله چهار قدم زند به لب آب رسد باز بیاید برگردد قدم اول بایستد به طرف شرق قدم زند تا لب آب رسد باز بیاید برگردد قدم اول بایستد به طرف شرق قدم زند تا لب آب رسد و درازی [و] پهنایی او را قدم زند اصل (؟) عدل را گرفته از هر طرف یک میزان باشد یازده قدم ازین طرف یازده قدم از آن طرف پایین هفت خم زر است مال چهار پادشاه هفت ارش بکابند برج [و] بارو پیدا شود گنج زیاد در همان مکان است در سر هر خم طشتی طلا نهاده اند آیه ده قاف به کار برند بر طرف شود.

در قالاکوه بالای آن چشمه ایست و بر سر چشمه کوه «با شفیع» کنده اند یک قزغان زر مدفون است زیر سنگ بکابند.

در چماچاه<sup>۴</sup> شفت مزاری است [مشهور] به «تاجر مزار» سردابه قرار داده اند بر دو قسم در یکی آلات جنگ در ثانی دفاین است همان مکان را پیدا کرده بکابند پیدا شود.

در چماچاه شفت محله «خلیلان» گویند و در آنجا تلی که لب یک احمد سرا (؟) دو سنگ نهاده اند یکی به طرف قبله و یکی مقابل آن فاصله سنگها هفت ارش در میان دوراه در فیمابین سنگها سه طیان زر مدفون است به سکه نعمان پلید هفت ارش پهنایی درازی و عمق آن محل را بکند پیدا شود.

در شکارسر مسجدی [به] «شاه صفی» مشهور است سه صفه نهاده اند در اول [و] دویم چیزی نیست در پشت سیم روبروی بقعه سه خمره زر نهاده اند در سر هر خمره گوهری است بکابند پیدا شود بی طلسم است.

چاهی است مشهور به زکریا<sup>۵</sup> مرده درخت چلغوزه<sup>۶</sup> دارد سه قدم رو به قبله پیمانانه کند همان جا را بکابند دو خمره زر مدفون است بی طلسم است.

در کوشاه جایی است مشهور به «سه کله» پشته [ای] دارد و در میان مزرعه درخت آزادی است سه قدم گذشته یک قزغان زر مدفون است چهار ارش همان مکان را بکابند بی طلسم است.

در کوشاه چاهی است [مشهور] به چاه صفت [؟] رو به قبله صد و پنجاه قدم پیمانانه کند در

۱. متن: ازدهای  
 ۲. سل در گیلکی به معنی آنگیر است.  
 ۳. متن: اسطخ  
 ۴. متن: چماچار (روستای چماچار نزدیک شاندرمن است).  
 ۵. متن: ذکر یا  
 ۶. متن: چلغوزه

سرفه [ای] می‌رسد و در میان همان صفه یک خمرة زر است بی طلسم چهار ارش بکابند پیدا شود. در کهنه گوراب فومن جایی است مشهور به «دشت عبدالرحمن» صفه معین است یک شبر از زمین بلندتر است رو به قبله دست چپ سه ارش مدور کرده دو ارش بکابند یک سنگ پیدا شود زیر سنگ را دو شبر بکابند دو خم خسروی پیدا شود بی طلسم است.

در چماچاه<sup>۱</sup> شفت مشهور به «خانم کتله» سنگی دارد سنگی نهاده‌اند چهار قدم از سنگ گذشته در قدم پنجم رو به قبله ایستاده در دست راست پایین پای قدم پنجم دو خم خسروی مدفون است یک ارش [و] نیم بکابند پیدا شود.

در لقمجان<sup>۲</sup> پشت میرزا سید هاشم هفت خم خسروی مدفون است سه ارش از پشت سید حدود کرده دو ارش بکابند پیدا شود.<sup>۳</sup>

در لاهجان مشهور طلشان [طلشان؟] سنگی سیاه معین است در زیر سنگ خم زر مدفون است در زیر سنگ سه ارش حدود کرده یک ارش [و] نیم بکابند پیدا شود به سکه امیر تیمور است. در لاهجان مشهور «آقا میر شهید» پشت مزار درخت آزادی است سوخته یک قزغان زر مدفون است به سکه امیر تیمور بی طلسم است بکابند بردارند.

در شیخ زکی رای (۴) اطاق<sup>۴</sup> باشد در اندرون اطاق<sup>۵</sup> در است رفتن [و] بیرون آمدن [را] از طاق پیش روی در رو به طاق میان آمدن [و] رفتن را سه خم مدفون است به سکه امیر تیمور است بی طلسم بکابند.

در امامزاده هاشم در پایین مقبره یک آفتابه زر مدفون است از مال چفته به سکه امیر تیمور سه ارش بکابند پیدا شود.

در پاچنار<sup>۶</sup> درخت آزادی است رو به طرف قبله یک ارش پیمانه کنند در ارش دویم یک قزغان زر سرخ به سکه امیر تیمور است سه قدم در ارش<sup>۷</sup> دویم بپیمایند سه قدم گذشته در قدم چهارم سه ارش بکابند بی طلسم است.

در قلعه کل زیر سنگ پلنگ نشان باید زیر سنگ سوراخ کرده هشت قدم گذشته قدم هشتم فرو رود یک خم خسروی به سکه امیر تیمور است در حین خواندن چهل مراتب قل هو الله احد بخوانند بی طلسم است.

۱. متن: چماچار

۲. متن: لقمجان

۳. حاشیه: عرض پهنای سنگ به هر طرف حدود کرده بکابند.

۴. متن: اوطاق

۵. متن: طاق

۶. متن: پای چنار

۷. متن: اش



در رود برده زیر درخت چلغوزه<sup>۱</sup> پشت سرمزار عکاشی<sup>۲</sup> می‌باشد یک شبر از درخت گذشته ارش بکابند یک قرغان زر سرخ به سکه<sup>۳</sup> امیر تیمور است.

در عکاشی (؟) اندرون صندوق و قبر عکاشی در بیرون صندوق می‌باشد یک خم زر به سکه<sup>۴</sup> امیر تیمور در آنجا نهاده‌اند بکابند بی طلسم است.

در پیرکلاچای مشهور «سید اسحق» پایین پای سید سه شبر بکابند یک بسته زر است به سکه<sup>۵</sup> امیر تیمور باید برای سید خرج کرد.

در برف جان دهی است در ملک لاهجان مسجدی است مشهور به «کرک خان» در میان همان مسجد یک قرغان زر سرخ مدفون [است] همان مسجد را زنی تخم مرغ فروخته [و ساخته] اسمش بگم خاتون است.

در کشف ده (؟) در طرف مزار چناری است [که] دو شاخه دارد و در جانب مغرب در زیر او پنج خم خسروی مدفون است پنج ارش بکابند بی طلسم است.

در سرجو (؟) پشت<sup>۶</sup> افث نام کوبراغش (؟) درخت چناری است در راه جاده بحر دو ارش از درخت دورتر هفت خم زر مدفون است از جانب بحر سه ارش [و] نیم بکابند بی طلسم است.

در کتک لاهجان برنج‌زاری است سه سنگ نهاده‌اند یک دوات قلم کشیده در طرف راست پنج مشربه زر نهاده‌اند یک ارش بکابند بی طلسم است.

در امیرهنده در سر راه جاده [ای] سه راه به هم رسیده بر سر همان سه راه متصل سه خم زر مدفون است سه ارش بکابند بی طلسم است.

در قریه<sup>۷</sup> ابراهیم آباد پشت ده امامزاده قاسم مدفون است در برابر امامزاده به طرف پایین یک قرغان اشرفی مدفون است در بالای آن خاک ریخته طلسم کرده‌اند آیه<sup>۸</sup> ده قاف [بخوانند] پنج ارش بکابند پیدا شود.

در آستانه<sup>۹</sup> حمامی است در نزدیک حمام مابین چاه از خشت به طرف از چاه دورتر همان جا را سه ارش بکابند سه خم زر بی طلسم مدفون است.

در سرجو<sup>۱۰</sup> پشت مزار بزرگ درخت آزادی است زیر درخت را بکابند تخته سنگی پیدا شود زیر همان سنگ را بکابند یک قرغان زر بی طلسم است.

۱. متن: چلغوزه

۲. متن: اکاشی؛ همان بقعه معروف «عکاشا» یا «عکاشه» است. این بقعه که در رودبرده از توابع شهرستان سنگر واقع است، منتسب است به آقا علی بن عکاشه از نوادگان امام موسی کاظم (ع).

۳. «سرجو پشت» یا به لهجه محلی «سرجو پوست» صحیح است. بعدتر هم «سرجو پشت» آمده که یک نام است ولی جدا فرض شده.

۴. متن: استان. شاید دارستان باشد.

۵. متن: در صفحه قبل سراجو آمده است.

در **فیل ده** کاریز<sup>۱</sup> است در برابر کاریز درخت سد [سدر؟] است در زیر درخت سه خمره زر مدفون است اژدهای طلسم موکل او است.

در بالای **فیل ده** چشمه ایست مشهور [به] «سه سطل» در دست راست زیر درخت آزاد یک خم زر بی طلسم است.

در **علی آباد جمال لو** (؟) درخت شمشاد بزرگ است در زیر درخت یک قزغان اشرفی به سکه اتابک پادشاه بی طلسم است بکابند.

در **رودبار دوگاهه** در سر راه حمام کهنه است در پهلوی حمام یک قزغان مدفون [است] پنج ارش بکابند پیدا شود.

در **کرکاویل** (؟) در زیر درخت چنار نه خمره نقره به سکه شاه صفی<sup>۲</sup> مدفون است بی طلسم چهار ارش بکابند.

در **محله دلس** (؟) در زیره جوین<sup>۳</sup> بر دست راست به در آستانه مال بسیار به سکه چنگیزخانی است بی طلسم است.

در **گوراب رودبرد** در پهلوی بازار درخت آزادی است در زیر درخت سه مشربه مدفون است یکی [زر] سرخ دو عدد [زر] سفید است بی طلسم است.

در **کیاباد**<sup>۴</sup> دهی است [مشرف] به رود خانه سیاه رود در بته (؟) برنجزار محمد آقا یک سطل زر مدفون است از مال زبیده زن هارون بی طلسم است بکابند.

در **دیلمان** بر سر راه گیلان جایی است «چاله دشت» مشهور است سنگی تراشیده اند مثل پالان است در زیر آن سنگ یک قزغان زر است سه ارش بکابند.

در **یکی چشمه** (؟) چشمه ایست که سه دال پشت سه سنگ کنده اند آن سه دال ثلث کشیده اند سه آفتابه زر در زیر سنگ است هفت ارش بکابند پیدا شود بی طلسم است.

در **قریه پیش کنار** مشهور به «شیخ علی مزار» در صفت<sup>۵</sup> به طرف قبله یک ارش در سر صفت به طرف قبله میل کند به سر همان ارش قدیم سه خم زرمدفون است سه ارش بکابند بی طلسم است.

در **قریه پیش کنار صفت** [ای] نهاده اند درخت نارنج غرس<sup>۵</sup> کرده اند هرگاه درخت نارنج پایمال شده باشد در سر همان صفت سنگ نهاده اند بزرگ درازی سنگ شش ذرع [و] نیم بی کم و زیاد وقتی که همان نشان دیده شد دو ارش [و] نیم قدیم بکابند پیدا شود بی طلسم است.

۱. متن: کاهریز

۲. متن: شاصفی

۳. متن: جوین

۴. متن: کیاباد

۵. متن: قرص

در پلنگ سنگ (؟) در برابر خوک سنگ نهاده‌اند «دو پریار» (؟) گویند در فیما بین سنگ‌ها سه دیگ زر مدفون است دو ارش بکابند.

در نزدیک سکه چشمه زنگاه خانی (؟) سنگ نهاده‌اند سه دال کشیده‌اند در زیر او سه خمره زر مدفون است دو ارش بکابند پیدا شود.

در کیل بهار عوض (؟) گنبدی بود هفت ارش درازی او درخت توت رو به قبله دو خمره زر مدفون است سه ارش بکابند پیدا شود.

در گوراب فومن در کنار رودخانه مزاری است در پهلولی مزار پشته بلند است چاهی در میان پشته کنده عمق آن چاه پنج ارش است در ته آن چاه سه طیان زر است و سر این چاه را پوشیده‌اند همان محل را پیدا کرده این چاه در نوگوراب فومن دو میدان اسب بالاتر است.

در قریه گوراب کیسم دو درخت چنار باشد یکی بزرگ یکی کوچک در زیر درخت بزرگ در طرف قبله سه نیزه از درخت دورتر زر بسیار مدفون است سه ارش بکابند.

در ده کیسم زیارت‌گاهی است در پهلولی زیارت‌گاه درخت آزادی است رو به قبله به دست راست به طرف درخت سه آفتابه زر مدفون است پنج ارش بکابند بی طلسم است.

در تولم دهی است که او را «گوراب» می‌گویند و در کنار رودخانه مزاری است که پنج ذرع قدیم از پل خشت‌کار دورتر پهلولی آن مزار پشته بلندی است به دست راست میان پشته را پنج ارش بکابند یک خمره مدفون است به سکه عبدالملک مروان طلسم ندارد.

در فومن دهی است او را «سنگ بجار» می‌گویند و در آن صحرائی است دو سنگ به قد آدم نصب کرده‌اند از سنگ تا به آن سنگ بپیماید و عدل کند در میان عدل دو ارش [و] نیم بکابد گچ کاری به نظر آید و پیدا شود همان جا محل خزانه صلصال است و سکه هم به اسم صلصال است.

در کیسم جایی است «درازکل» گویند صنفه ایست چهل ذرع درازی اوست درازی و پهنائی او را ذرع کند وسط او را پیدا کرده وسط را یک قدم بکابد در [ی] پیدا شود در از سنگ است هفت خم خسروی مدفون است بی طلسم است.

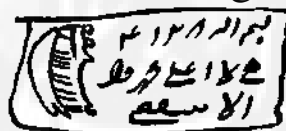
در کنف گوراب در پشت درخت شمشادی است مشهور به «درخت علی خان بک» در زیر همان درخت گچ [و] آجر نمایان است یک ذرع بکابند در حین کندن باران آید یک دیگ زر مدفون است آن قاعده طلسم باران را به کار برند بکابند.

در گوراب رودبرده به سمت رشت درخت آزاد چند می‌باشد یک درخت از راه نزدیک و از درختان دورتر است در زیر همان درخت سه مشربه زر است به سکه عبدالملک مروان بی طلسم است.

در کیسم در سر راه دو مسجد است و آن مسجد [که] لقب "زیارت‌گاه" گویند در میان قبرخانه مسجد یک خم زر مدفون است بی طلسم دو ارش [و] نیم بکابند.

در کیسم و در لب رودخانه مزاری است ملقب<sup>۱</sup> به «پیرمزار» در پهلوی مزار دو سنگ نهاده‌اند در میان دو سنگ زیر هر سنگ یک آفتابه زر بی طلسم مدفون است سه ارش بکابند. در کهنه‌گوراب چاهی است رو به آفتاب بر آمدن ۵ عدد درخت آزاد است [زیر] آن درخت [که] به جانب قبله است هفت خم مدفون است دو ارش [و] نیم بکابند پیدا شود بی طلسم است. در شفت قلعه‌ایست مشهور به «قلعه‌رودخان» درختی است در زیر درخت یک کوزه زر است. در پشت قلعه سنگ سرخ است در زیر سنگ خزانه پادشاهی است. در اندرون قلعه پهلوی حوض فواره از سنگ مرمر ساخته‌اند و میلی از فولاد بر سر آن سنگ قرار داده‌اند باید آن سنگ را بردارند خزاین کل در آنجا است.

در گشت رودخان نهری کوچک و مسجدی قدیم فرو ریخته است و مرکز<sup>۲</sup> مسجد پیداست یک درخت روئیده اسم آن درخت سیاه برآور (؟) گویند یک ارش به طرف مغرب بکابند و درازی ارش یک ذرع [و] نیم عمق بکند خم خسروی زر پیدا شود ماری موکل او است طلسم است در زمان کندن این طلسم را نوشته به آب کافور در آن موضع بپاشد ساعتی توقف کند بعد بکابند طلسم این است:



در قلعه رودخان سر دروازه درختی دارد بزرگ در طرف شمال [از] درخت دو ارش گذشته سه ارش بکابند سه دیگر مدفون است.

در قلعه رودخان به قبله نرسیده سنگی بزرگ در سر راه نهاده‌اند در زیر سنگ یک خم زر سرخ است بکابند بی طلسم است.

در قلعه رودخان درخت چناری است در زیر درخت سنگ سرخی است در زیر سنگ سرخ دو خم زر مدفون است بکابند.

در قلعه رودخان در اندرون قلعه حوضی است همان حوض را بکنند سه سنگ مرمر پیدا شود سه لوله طلا مدفون است بکابند و از جانب راست میل یک ذرع بکند خشت کاری پیدا شود و خشت کاری را شکسته در زیر خشت کاری گنج بسیار است.

در قلعه رودخان یک راه است در وقت رفتن<sup>۳</sup> دو راه است یکی به طرف قلعه می‌رود و راه دیگر به جانب شیخ جمال و به شیخ نرسیده سنگی است بزرگ مشهور است به «خشت سنگ» سه ذرع قدیم زیر سنگ بکابند دو خم خسروی به سکه صلصال است.

۱. متن: لقب  
۲. متن: مرکزی  
۳. متن: + رفتن

در گشت رودخان نهری رود باریکی در برابر ده به طرف مغرب چشمه ایست بالای چشمه سنگ سرخی نهاده‌اند همان سنگ را برداشته سه ارش بکابند مشربۀ زر سرخ است. در شفت چماچاه<sup>۱</sup> سنگی است مشهور به شمشیرسنگ دو سنگ است یکی را شکل غلاف و یکی صورت شمشیر کشیده‌اند و [زیر] آن سنگی که صورت شمشیر است دو طیان زر مدفون است بی طلسم بکابند.

در پیرکلاچای<sup>۲</sup> درخت توت است [مشهور] به «خانم باجی» در زیر درخت دو عدد آفتابه زر مدفون است یکی به سکه امام حسن (ع) یکی به سکه عمر علیه‌اللعنه بکابند. در تنکابن رفتن جانب بند در دست راست وقت آمدن جانب چپ چهار سنگ نهاده‌اند دو سنگ به پایین کلوخ<sup>۳</sup> رنگ سرخ یک قرغان اشرفی در زیر سنگ کلوخ سرخ باشد و سی [و] چهار کیسه زر با یراق و شمشیر زیر آن دو سنگ دیگر است بکابند بی طلسم. در گوکه<sup>۴</sup> «کول بار کش» می‌گویند در آنجا کسانی که کوله‌بار برمی‌دارند<sup>۵</sup> در آنجا بار گذاشته نفسی تازه می‌کنند<sup>۶</sup> در همان جا سه حقه زر مدفون است سه ارش بکابند.

در لنگرود چشمه ایست در برابر آن چشمه سنگی نهاده‌اند در سر سنگ دو خال سیاه است در زیر آن سنگ دو خم مدفون است سه ارش بکابند بی طلسم است.

در تعجن گوکه «خان بجار» سنگ در میان راه است در زیر آن سنگ گنج بسیار است. در قلعه کول امامزاده هاشم در جاده درخت پیدا است به فارسی سفیددار گویند در زیر درخت سه خزانه است به سکه سیاه کل (?). پادشاه سنگی از طلسم ساخته بر در گنج<sup>۷</sup> نهاده‌اند بی استاد نروند. در گوکه بزرگواری زیارت‌گاه مردم است در پهلوی زیارت‌گاه درخت اربا<sup>۸</sup> است یک قرغان زر بی طلسم سه ارش بکابند بردارند.

در سراوان کهدم زیارت‌گاهی است صفه دارد سنگ چین کرده‌اند پر از سنگست علامت صفه هفت ذرع است آن صفه را بکابند پشت به قبله رو به دریا یک ذرع همان صفه را بکابند سنگی صورت آدم پیدا شود یعنی کشیده‌اند در زیر سنگ چهار خم خسروی زر مدفون است طلسم دارد.

۱. متن: چماچار
۲. متن: پرکلاچاه
۳. متن: کلاخ
۴. متن: کوکه
۵. متن: برمی‌دارد
۶. متن: می‌کند
۷. متن: + است
۸. خرمالوی جنگلی



در هَشکوا<sup>۱</sup> پشت تپه آقا سید زکی دو درخت آزاد قدیم بزرگ دارد و میان دو درخت ذرع کند به عدل از زمین در عدل سه خم زر مدفون است همان عدل را بکابند خشت پیدا شود علامت گنج است سه ارش [و] نیم بکابند پیدا شود.

و سلام  
باقی دارد.

### توضیحات جای نام‌ها

سیدسرای فومن: روستایی در ۹ کیلومتری جنوب فومن  
شیخ جمال: بقعه‌ای در ۵ کیلومتری روستای فوشه در شمال غربی روستای قلعه رودخان  
حلاج محله: روستایی در ۸ کیلومتری جنوب فومن  
رستم کوه: کوهی در ۱۰ کیلومتری جنوب غربی فومن که به نام شخصی موسوم به رستم ملوسگامی (ملسکامی) خوانده شده است.<sup>۲</sup>

قلعه رودخان: قلعه‌ای در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی فومن که «قلعه حسامی» هم خوانده می‌شود.

ازیر: روستایی در ۶ کیلومتری جنوب شرقی فومن

گوراب‌پس: روستایی در ۹ کیلومتری جنوب فومن

سسطلان: روستایی در ۷ کیلومتری جنوب فومن

خسروآباد: روستایی در ۹ کیلومتری جنوب فومن

ملسکام: روستایی در ۸ کیلومتری جنوب فومن

خشت مسجد پسیخان: روستایی در ۸ کیلومتری غرب رشت

خطیبان تولم: روستایی در ۱۰ کیلومتری شمال فومن

مردخه تولم: روستایی در ۸ کیلومتری شمال فومن

مرجفل تولم: روستایی در ۷ کیلومتری شمال فومن

گوراب تولم: روستایی در ۱۲ کیلومتری شمال فومن

سه‌سار: روستایی در ۱۵ کیلومتری غرب صومعه‌سرا

آهندان: روستایی در ۳ کیلومتری غرب لاهیجان

کنف گوراب: روستایی در ۲ کیلومتری شمال لاهیجان

بجارپس: روستایی در ۱۲ کیلومتری جنوب لنگرود

شیرابه: نام دو روستا یکی در ۶ کیلومتری شرق رودسر و دیگری در ۱۵ کیلومتری شمال کوچصفهان

کیسم: روستایی در ۷ کیلومتری غرب آستانه

بهرام‌آباد: روستایی در ۲۰ کیلومتری شمال سیردان در طارم سفلی



۱. متن: هشت کواه

۲. بنگرید به: امان‌الله زندش، اثر پیشین، ص ۳۹

**کچلان:** روستایی در ۱۶ کیلومتری شرق آستانه

**طولا [رود]:** روستایی در ۳ کیلومتری جنوب تالش و همچنین روستایی در اشکور (رودسر)

**سپهدان:** (باید سه پُردان به معنی سه پل باشد) نام روستایی در ۳ کیلومتری شرق سیاهکل و روستای دیگری در ۱۲ کیلومتری غرب لاهیجان و روستایی در بخش رانکوه املش؛ همچنین روستایی به نام اسپهدان در ۶۰ کیلومتری شرق رودبار که دارای قلعه و غار است.

**پشتستان:** روستایی در ۵ کیلومتری شمال خمام و روستایی در ۲ کیلومتری جنوب غربی آستانه

**شهر بیجار:** روستایی در ۶ کیلومتری شرق امامزاده هاشم (شهر بیجار)

**برف جان:** روستایی متصل به سیاهکل

**لشته‌نشا:** از بخش‌های واقع در ۲۵ کیلومتری شمال شرقی رشت

**ولم:** روستایی در ۲ کیلومتری شرق لشته‌نشا

**فیل‌ده:** روستایی در ۶ کیلومتری غرب رودبار

**چماچاه:** روستایی در ۱۰ کیلومتری شرق شفت

**کچا:** روستایی در ۲۸ کیلومتری جنوب رشت

**رودبرده:** روستایی در ۱۴ کیلومتری جنوب شرقی رشت

**پیش‌کنار کهدم:** روستایی در ۱۸ کیلومتری جنوب شرقی رشت

**دارستان:** روستایی در ۲ کیلومتری شمال رودبار

**جوین:** روستایی در ۱۱ کیلومتری شمال رودبار

**خورگام عمارلو:** منطقه‌ای در ۸ فرسنگی شرق رودبار

**علی‌آباد رودبار:** روستایی در ۱۵ کیلومتری جنوب غربی رودبار

**دلفک:** قله‌ای به ارتفاع تقریبی ۲۷۲۰ متر در ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی رشت

**شهیدان:** روستایی در ۴۹ کیلومتری شرق رودبار (اکنون شاه‌شهیدان خوانده می‌شود)

**پلنگ‌سرا:** روستایی در ۱۰ کیلومتری شمال غربی ماسال

**قلعه‌کل:** روستایی در ۱ کیلومتری غرب فومن

**لیالستان:** روستایی در ۴ کیلومتری شرق لاهیجان

**شیرکوه:** روستایی در ۲۰ کیلومتری شمال غربی رودبار

**توت قلعه:** شاید همان توت‌کله واقع در ۹ کیلومتری جنوب رودسر

**گشت‌شهر رودبارک:** گشت نام روستایی است در ۵ کیلومتری جنوب فومن

**کاروانسرای تی‌تی:** بر سر راه سیاهکل به دیلمان، در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی لاهیجان

**خزنبور:** احتمالاً خرّمبو که در ۲ کیلومتری شمال رودبار

**امام‌زاده هاشم:** زیارتگاهی در ۲۷ کیلومتری جنوب رشت

**برزکوه:** روستایی در ۳۰ کیلومتری جنوب رضوان‌شهر

**طالم سه‌شنبه:** روستایی در ۱۳ کیلومتری جنوب شرقی رشت

طلاپر: روستایی در ۶ کیلومتری شمال شرقی رودبار  
 کاجان: روستایی در ۲ کیلومتری غرب سیاهکل  
 کشرودکل: شاید روستای نشترودکل (نشرودکل) در ۱۵ کیلومتری جنوب غربی رشت  
 شکارسر: باید شکارسرا باشد که در ۶ کیلومتری شمال غرب کوچصفهان قرار دارد  
 کهنهگوراب: روستایی در ۹ کیلومتری شرق فومن  
 لقمجان: روستایی در ۱۲ کیلومتری غرب لاهیجان  
 پاچنار: روستایی در ۳ کیلومتری جنوب شرق لوشان  
 کیژده: روستایی در ۳ کیلومتری شرق رشت (کژده)  
 عزیزکیان: روستایی در ۱۳ کیلومتری جنوب رشت  
 گیل پردهسر: روستایی در ۱۰ کیلومتری جنوب شرقی رشت  
 کسار: روستایی در ۵ کیلومتری شمال غرب رشت  
 پیر کلاچای: روستایی در ۶ کیلومتری شرق رشت  
 رودبرده: روستایی در ۱۴ کیلومتری جنوب شرقی رشت  
 برفجان: روستایی متصل به سیاهکل  
 کتک لاهیجان: روستایی در ۴ کیلومتری جنوب شرقی کوچصفهان  
 امیرهنده: روستایی در ۷ کیلومتری غرب لاهیجان  
 رودبار دوگابه: روستایی در ۱۸ کیلومتری شمال غربی رودبار  
 جوبین: روستایی در ۱۱ کیلومتری شمال رودبار  
 کیاباد: روستایی در ۱۸ کیلومتری شمال شرقی رودبار  
 چاله‌دشت: روستایی در ۷ کیلومتری جنوب لنگرود (در متن چالاندشت)  
 گوراب فومن: روستایی در ۱۲ کیلومتری شمال فومن  
 تولم: شهری در ۲۰ کیلومتری غرب رشت  
 سنگ‌بجار: روستایی در ۱ کیلومتری شرق فومن  
 کنف‌گوراب: روستایی در ۲ کیلومتری شمال لاهیجان  
 گوراب رودبرده: روستایی در ۱۴ کیلومتری جنوب شرقی رشت  
 کهنه‌گوراب: روستایی در ۶ کیلومتری شرق فومن  
 شفت: شهری در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی رشت  
 گشت‌رودخان: روستایی در ۶ کیلومتری جنوب فومن  
 گوکه: روستایی در ۱۷ کیلومتری غرب لاهیجان  
 تعجن‌گوکه: روستایی در ۶ کیلومتری غرب آستانه  
 سراوان کهدم: روستایی در ۲۳ کیلومتری غرب آستانه  
 هشکوا: روستایی در ۵ کیلومتری جنوب کوچصفهان رشت (حشکوا، حشگوا)

